

# هدفهای آمریکا از برپایی سامانه پدافند ضد موشکی در خاور اروپا

فرشاد رومی\*

فراهم می آید که ایالات متحده را قادر می سازد موشکهای پرتاب شده به سوی آن کشور و همپیمانانش را نابود سازد. در این راستا، ایالات متحده بر آن است که ده موشک رهگیر برای دفاع در برابر موشکهای دوربرد در لهستان و یک رادار ردیاب در جمهوری چک مستقر سازد تا به گفته خود، با خطر حمله های موشکی از سوی کره شمالی و برخی کشورهای خاورمیانه رویارویی کند.

برپایی این سامانه پدافند ضد موشکی در جمهوری چک و لهستان با واکنش سخت دولتمردان روسیه رویه رو شده است. روسها دلیل اعلام شده از سوی آمریکا برای برپایی این سامانه یعنی رویارویی با خطر موشکی ایران و کره شمالی را واقعی ارزیابی نکرده اند و بر این باورند که سامانه پدافند ضد موشکی، تازه ترین حرکت در تجاوز نظامی گام به گام و نرم به مرزهای روسیه از سوی ایالات متحده و همپیمانانش است که می تواند در برابر موشکهای بالیستیک روسیه به کار گرفته شود. ولی دست اندرکاران آمریکایی این سخنان را نمی پذیرند و می گویند روسیه نباید کمترین نگرانی از جهت سامانه پدافند ضد موشکی داشته باشد. این

## پیشگفتار:

فروریختن دیوار برلین در نوامبر ۱۹۸۹ و رویدادهای تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از برجسته ترین رویدادها در دو دهه گذشته شمرده می شود. نخستین رویداد به معنای پایان گرفتن جنگ سرد میان دو ابرقدرت و دومی آغازگر دورانی تازه از نمایش قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا به شمار می آید. در این میان بازسازی توانمندی های پدافندی و بازدارندگی ایالات متحده برای پاسخگویی به چالشهای تازه، یکی از اولویتهای دولت آمریکا بوده و برپایی سامانه پدافند موشکی بخشی از این تلاش گسترده است.

اکنون ماههاست که شاهد برخورد و جنگ زبانی روسیه و جهان غرب درباره برنامه ایالات متحده برای برپایی سامانه پدافند ضد موشکی در اروپای خاوری هستیم که به باور بسیاری از کارشناسان می تواند هشدار باشد در این باره که اندیشه جنگ سرد بار دیگر زنده می شود. برپایی طرح سامانه پدافند موشکی، سامانه ای ماهواره ای در فضا و پایگاههای رادار، ایستگاههای شنود و موشکهای رهگیر در سراسر جهان

\* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران - اهواز

می‌دهد که همه نقاط جهان را هدف قرار دهد. اما این توان تهاجمی چه ارزشی می‌تواند داشته باشد اگر نتواند نفوذناپذیری ایالات متحده را تضمین کند؟ در ۱۹۵۷ با آگاهی از آسیب‌پذیری ایالات متحده، اندیشه پدافند ضد موشکی پا گرفت، زیرا در آن هنگام بود که نخستین اسبوتنیک اتحاد جماهیر شوروی به گرد زمین به گردش در آمد. آمریکای وحشت‌زده دیگر نمی‌توانست خود را جزیره‌ای دور از دسترس بیگانگان بیندارد و اتحاد جماهیر شوروی می‌توانست خاک ایالات متحده را با موشک‌های بالیستیک میان‌قاره‌ای نشانه بگیرد.<sup>۱</sup>

پس از آن، دولت ایالات متحده برای دفاع و پاسداری از سرزمین آمریکا در برابر موشک‌های دشمن به بررسی و آزمایش طرح‌های گوناگونی در زمینه پدافند ضد موشکی پرداخت که تا امروز فرایندی پیچیده، پرهزینه و همراه با آزمون و خطا داشته است. در این جا به گونه فشرده به برنامه‌های آمریکا در این زمینه اشاره می‌شود:

۱۹۵۷: ایالات متحده نخستین کوشش عملی برای دستیابی به یک سپر موشکی در برابر موشک‌های بالیستیک اتحاد جماهیر شوروی را با برپا کردن سامانه Nike - Zeus آغاز کرد. کلاهک اتمی Nike می‌بایست در ارتفاع بیش از ۱۰۰ کیلومتر (۶۰ مایل) موشک‌های بالیستیک اتحاد جماهیر شوروی را رهگیری و در آسمان نابود کند. هر چند این پروژه امیدهایی برای حل

○ بر پایه طرح سامانه پدافند موشکی، سامانه‌ای ماهواره‌ای در فضا و پایگاه‌های رادار، ایستگاه‌های شنود و موشک‌های رهگیر در سراسر جهان فراهم می‌آید که ایالات متحده را قادر می‌سازد موشک‌های پرتاب شده به سوی آن کشور و هم‌پیمانانش را نابود کند. در این راستا، ایالات متحده بر آن است که ده موشک رهگیر برای دفاع در برابر موشک‌های دوربرد در لهستان و یک رادار ردیاب در جمهوری چک مستقر سازد.

سامانه پدافندی تنها برای جلوگیری از موشک‌های بالیستیک دولتهای باصطلاح «سرخ» به کار خواهد رفت. به ادعای آمریکاییها برپایی سامانه پدافند موشکی بالیستیک تنها برای مقاصد پدافندی است و امکانات آفندی ندارد. این موشک‌های رهگیر هیچ‌گونه کلاهک انفجاری ندارد و برای حرکت و برخورد با کلاهک‌های آفندی و نابود کردن آنها، تنها به انرژی جنبشی متکی است. بی‌گمان اهمیت برپایی سامانه پدافند موشکی در اروپای خاوری برای ایالات متحده بسیار فراتر از ادعای دولتمردان آن کشور مبنی بر ایستادگی در برابر تهدیدهای موشکی کشوری مانند ایران است. در این نوشتار به هدف‌های واقعی دولتمردان آمریکایی در این زمینه و آثار آن بر امنیت بین‌الملل پرداخته شده است.

### پیشینه برپایی سامانه پدافند ضد موشکی

#### ایالات متحده

مجلس ملی فرانسه در گزارشی در ۲۸ مارس ۲۰۰۱ به بررسی پروژه‌های پدافند ضد موشکی آمریکا پرداخت. بر پایه این گزارش، طرح آمریکا بیش از آنکه بر تحلیلی استراتژیک قرار داشته باشد بر گونه‌ای «الهیات سیاسی» استوار است؛ این الهیات از «توهم تهدید شدن امنیت مطلق ایالات متحده» و «امپراتوری شرارت» ریشه می‌گیرد و تنها یک دولت را نشانه نمی‌رود، بلکه متوجه شمار نامعینی از دولتها همچون روسیه، چین، کره شمالی، ایران، عراق و شاید چند کشور دیگر در آینده است.

ایده پدافند ضد موشکی از دوره دوم ریاست جمهوری بوش آغاز نشده است. اندیشه برپایی یک سامانه پدافند ضد موشکی به سالهای ۱۹۵۰ میلادی برمی‌گردد. باور آمریکاییان به روین تنی سرزمینشان، به پرکت جغرافیا، پیوسته به آنان احساس امنیت بخشیده و تقدیرگرایی بنیانگذاران آن کشور، آمریکا را سرزمین موعود جلوه داده است. از این دیدگاه، هر گونه حمله به خاک آمریکا نه تنها یک گستاخی بلکه تجاوز به حریم آزادی شمرده می‌شود؛ کسی که چنین اهانتی کند مقدسات رازیر پا گذاشته و سزاوار کیفر الهی است.

در واقع، تجهیزات هسته‌ای، شامل زیردریایی‌های پرتاب‌کننده، موشک‌های بالیستیک میان‌قاره‌ای و بمب‌افکن‌های استراتژیک، به ایالات متحده این امکان را

حمله محدود کشورهایمانند جمهوری خلق چین طراحی کرده است. پس از مدتی در سایه فشار افکار همگانی، هدف برنامه Safeguard، به جای دفاع از شهروندان آمریکا با سلاحهای اتمی، دفاع از سایتهای پرتاب موشکهای میان قاره‌ای عنوان شد. هرچند این برنامه به سبب هزینه کم، پوشش جغرافیایی محدود، و از میان رفتن خطر انفجار کلاهکهای پدافندی بر فراز زیستگاه شهروندان، برخی از مشکلات پیشین را نداشت، اما هنوز دشواریهایی برجا بود. در برابر، اتحاد جماهیر شوروی نیز به ساخت آشیانه‌های پدافند ضد موشکی در پیرامون مسکو برای استقرار موشکهای «گالوش» پرداخت.<sup>۲</sup>

پس از چند سال آمریکاییان بر اثر دگرگونی فضای سیاسی داخلی، مشکل تأمین بودجه و... سامانه پدافند موشکی را رها کردند ولی سیستم مستقر شده در پیرامون مسکو برجا ماند. در ژانویه ۱۹۷۶ کنگره آمریکا به برچیدن برنامه Safeguard رأی داد و دونالد رامسفلد وزیر دفاع پایان این برنامه را اعلام کرد. بدین سان، در نخستین مسابقه تسلیحاتی، آمریکا ناچار از عقب نشینی شد. از آن پس آمریکا با افزایش دادن کارایی موشکهای میان قاره‌ای، بر وزن آفندی سیاست موشکی خود افزود و وجه پدافندی آن کمرنگ شد.<sup>۳</sup> در ۱۹۷۲ آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی پیمان منع تولید موشکهای ضد موشک بالیستیک «Anti Ballistic Missile» (ABM) را امضاء کردند. در این پیمان برپایی سامانه پدافند موشکی در خاک دو کشور ممنوع شد. ولی هر دو مجاز به داشتن تنها يك سامانه ضد موشکی با دست بالا صد موشک رهگیر برای رویارویی با موشکهای بالیستیک بودند. آمریکاییان این سامانه را در پایگاه هوایی Grand Fork در ایالت داکوتای جنوبی و روس‌ها آنرا در پیرامون مسکو برپا کردند. پیمان منع تولید موشکهای ضد موشک شالوده‌توازن استراتژیک میان دو ابرقدرت راریخت زیرا هر دو راز دستیابی به توانایی ایمن‌سازی در برابر حمله‌های متقابل اتمی بازمی‌داشت.

۱۹۸۳: در ۲۳ مارس ۱۹۸۳ ریگان برنامه تازه پدافند موشکی را اعلام کرد که «ابتکار پدافند استراتژیک» Strategic Defence Initiative خوانده و به

○ مجلس ملّی فرانسه در گزارشی در ۲۸ مارس ۲۰۰۱ به بررسی پروژه‌های پدافند ضد موشکی آمریکا پرداخت. بر پایه این گزارش، طرح آمریکا بیش از آنکه بر تحلیلی استراتژیک قرار داشته باشد بر گونه‌ای «الهیات سیاسی» استوار است؛ این الهیات از «توهم تهدید شدن امنیت مطلق ایالات متّحده» و «امپراتوری شرارت» ریشه می‌گیرد و تنها يك دولت را نشانه نمی‌رود، بلکه متوجه شمار نامعینی از دولتها همچون روسیه، چین، کره شمالی، ایران، عراق و شاید چند کشور دیگر در آینده است.

مشکل تشخیص سریع و ردیابی موشکهای متمرّد و خودسر پدید آورد، اما به سبب برخی دشواریهای فنی در ۱۹۶۱ از اجرا باز ایستاد.

۱۹۶۳: رابرت مک نامارا وزیر دفاع آمریکا سامانه پدافند ضد موشکی Sentinel را به عنوان جانشین برنامه Nike معرفی کرد. این سامانه می‌بایست از سراسر آمریکای شمالی در برابر حمله‌های موشکی دفاع کند. سامانه Sentinel در برگیرنده موشکهای دوربرد Spartan و موشکهای کوتاه‌برد Sprint، و سیستمهای رادار و کامپیوتری بود. اما کارشناسان سیاسی و نظامی این سامانه را ناکارآمد ارزیابی کردند زیرا: (۱) تکنولوژی‌های موجود امکان دفاع کامل در برابر يك حمله پیشرفته را نمی‌داد. (۲) گذاشتن کلاهکهای اتمی روی ضد موشکهای رهگیر، نگرانیهای سیاسی و همگانی از انفجار این کلاهکها بر فراز خاک کشورهای دوست را در پی داشت. (۳) برپایی این سامانه محدود ممکن بود انگیزه‌ای برای حمله اتمی پیش‌دستانه دشمن فراهم آورد، پیش از آنکه این سامانه کاربردی شود.

۱۹۶۷: رابرت مک نامارا اعلام کرد به جای برنامه Sentinel نمونه‌ای کوچکتر از آنرا به نام Sefeguard Program برای دفاع از شهرهای ایالات متّحده در برابر

تنها ۹ درصد موشکهای پاتریوت به هدف خورده است. پس از پایان جنگ، تلاش ملی بر رویارویی با موشکهای کوتاهبرد کشورهای «سرکش» متمرکز شد.

۱۹۹۳: بوش ویلتسین پیمان Start 2 را امضاء کردند. هدف این پیمان کاهش شمار کلاهکهای اتمی به ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کلاهک برای هر یک بود.

در ۱۹۹۳ هنگامی که بیل کلینتون به ریاست جمهوری رسید برنامه ابتکار پدافند استراتژیک کنار گذاشته شده بود. اما در ۱۹۹۵ با پیروزی جمهوریخواهان در انتخابات کنگره، بار دیگر موضوع سامانه پدافند ضد موشکی مطرح شد. کنگره قانونی به تصویب رساند که بر پایه آن دولت ایالات متحده می‌بایست تا ۲۰۰۳ سامانه پدافند موشکی ملی در خاک آمریکا برپا کند. کلینتون این قانون را به این دلیل که خطری فوری و چشمگیر که استقرار سپر پدافند ضد موشکی را توجیه کند وجود ندارد، وتو کرد. ولی سرانجام با فشارهای پیوسته کنگره، دولت در ۱۹۹۶ تصمیم به اجرای برنامه‌ای با عنوان ۳+۳ گرفت که شامل برپایی یک سامانه پدافند ضد موشکی در دو مرحله ۳ ساله بود تا چنانچه پس از اجرای نخستین مرحله، کشور دستخوش تهدیدهای امنیتی شود، سیستم بر پایه تکنولوژی روز گسترش یابد. این برنامه بر این فرض

زودی عنوان جنگ ستارگان یافت. ریگان هدف این برنامه را پاسداری از آمریکا و متحدان آن کشور دانست. ابتکار پدافند استراتژیک سامانه‌ای جامع پدید می‌آورد که می‌توانست به خطر جنگ هسته‌ای پایان دهد. این طرح از دید فنی بسیار بلندپروازانه و از دید اقتصادی بسیار پرهزینه بود و ایجاد پایگاههای فضایی و ایستگاههای نبرد لیزری برای رهگیری موشکهای بالیستیک قاره‌پیمارا در برمی‌گرفت. برخلاف برنامه‌های پیشین، هدف این طرح دفاع کامل در برابر هر گونه حمله اتمی از سوی اتحاد جماهیر شوروی بود. امکان اجرای ابتکار پدافند استراتژیک از سوی دموکراتها در کنگره آمریکا مورد تردید قرار گرفت اما جمهوریخواهان درباره نیاز استراتژیک به آن سخن می‌گفتند و بر این باور بودند که با کمک کارشناسان فنی اجرای این طرح امکان‌پذیر است. سرانجام هواداران آن پیروز شدند و در ۱۹۸۴ بودجه لازم برای این طرح در نظر گرفته شد. به باور برخی مفسران، انگیزه‌ای که در پشت این کوشش بود، اندازه بسیار بالا گرفتن رقابتهای جنگ‌افزایی و سرانجام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد شد. در ۱۹۸۷ از بلندپروازیهای طرح کاسته و هدف آن به پاسداری از سایت‌های پرتاب موشک به هنگام نخستین ضربه روسها محدود شد.<sup>۴</sup> سرانجام ابتکار پدافند استراتژیک در دوران ریاست جمهوری جورج بوش پدر به سرعت دگرگون شد و در ۱۹۹۱ گسست با ایده‌های ریگان رخ نمود.

#### ○ اندیشه برپایی یک سامانه پدافند ضد

موشکی به سالهای ۱۹۵۰ میلادی برمی‌گردد. باور آمریکاییان به روین تنی سرزمینشان، به برکت جغرافیا، پیوسته به آنان احساس امنیت بخشیده و تقدیرگرایی بنیانگذاران آن کشور، آمریکارا سرزمین موعود جلوه داده است. از این دیدگاه، هرگونه حمله به خاک آمریکانه تنها یک گستاخی بلکه تجاوز به حریم آزادی شمرده می‌شود؛ کسی که چنین اهانتی کند مقدسات رازیر پا گذاشته و سزاوار کیفر الهی است!

۱۹۹۱: پیمان استارت ۱ (Strategic Arms Reduction Talks) در ژوئیه ۱۹۹۱ با هدف کاهش جنگ‌افزارهای استراتژیک آفندی میان اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا امضاء شد. این پیمان دو کشور را موظف به کاهش دادن جنگ‌افزارهای هسته‌ای از ۱۰ هزار کلاهک به ۶ هزار کلاهک می‌کند. اعتبار این پیمان در دسامبر ۲۰۰۹ به پایان می‌رسد. در فوریه ۱۹۹۱ و به هنگام جنگ نخست خلیج فارس، عراق موشکهای اسکاد روسی به چند کشور منطقه از جمله رژیم اسرائیل پرتاب کرد. ارتش آمریکا کوشید با بهره‌گیری از سیستم ضد موشک پاتریوت، موشکهای عراقی را رهگیری کند، ولی با وجود گزارشهای امیدوارکننده در آغاز کار، مطالعات بعدی نشان داد که



ریگان نام داده‌اند. ولی تنها پیمان منع تولید موشک‌های ضد بالیستیک با تصمیم بوش کنار گذاشته نشد؛ ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۷ اجرای «پیمان نیروهای متعارف اروپا و پیمان‌های بین‌المللی مرتبط با آن» را برای روسیه متوقف و اعلام کرد روسیه دیگر به تعهدات خود در «پیمان نیروهای متعارف در اروپا» پایبند نخواهد بود. این پیمان در ۱۹۹۰ در پاریس از سوی ۲۲ کشور عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو با هدف کنترل جنگ‌افزارها به امضا رسید و در ۱۹۹۹ در استانبول در آن بازنگری شد. بر پایه پیمان نیروهای متعارف، شمار تانک‌ها، زرهپوش‌ها، توپخانه سنگین و جنگنده‌های کشورهای امضاکننده نمی‌بایست از اندازه معینی فراتر رود.<sup>۶</sup>

به هر رو، در ژوئیه ۲۰۰۴ نخستین پایگاه زمینی پدافند ضد موشکی در گرلی (Ft. Greely) در آلاسکا برپا شد. همچنین دو سامانه پدافند ضد موشکی نیز در پایگاه نیروی هوایی وندنبرگ (Vandenberg) کالیفرنیا دایر شد. از ۲۰۰۲، ایالات متحده برای برپا کردن یک سامانه پدافند میان برد ضد موشکی در پایگاه زمینی سرگرم گفت‌وگو با دولت‌های لهستان و چک بوده و تاکنون برای استقرار ۱۰ موشک رهگیر در آسیانه‌های زیرزمینی در لهستان به توافق رسیده و جمهوری چک نیز میزبانی رادار سپر موشکی در خاک خود را پذیرفته

استوار بود که دست کم ۳ سال زمان لازم است تا یک کشور دشمن با توان موشکی بالیستیک بتواند ایالات متحده را تهدید کند. این برنامه از فشار جمهوریخواهان که خواستار برپا شدن سامانه پدافند موشکی ملی بودند نیز می‌کاست. به هر رو، در ویداد در تابستان ۱۹۹۸ گفتمان در زمینه پدافند موشکی را دگرگون کرد: نخست، در ژوئیه ۱۹۹۸ یک کمیسیون پارلمانی به ریاست دونالد رامسفلد اعلام کرد که خطر حمله با موشک‌های بالیستیک از سوی کشورهای دشمن زودتر از آنچه پیش بینی می‌شده وجود دارد. سپس در اوت همان سال کره شمالی موشکی به نام Taepo - Dong1 برای قرار دادن یک ماهواره در جو زمین به فضا پرتاب کرد که از فراز خاک ژاپن گذشت. در کنار این اقدام، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و آزمایش موشکی ایران به تحلیل کمیسیون رامسفلد اعتبار بخشید. سرانجام در ۱۹۹۹ قانون پدافند موشکی ملی با هدف برپا کردن یک سامانه پدافند موشکی محدود بر شالوده امکانات موجود از سوی کلبنتون امضاء شد. در سپتامبر ۲۰۰۰ کلبنتون استقرار سامانه دفاع ضد موشکی را به علت مشکلات فنی و نگرانی همیمانان و رقبای ایالات متحده متوقف کرد و تصمیم‌گیری درباره آن را به دولت بعدی واگذاشت.<sup>۵</sup>

هنگامی که جورج واکر بوش همراه با گروهی از نومحافظه کاران و راستگرایان مذهبی به قدرت رسیدند، یکی از هدف‌هایشان کنار گذاشتن سیاست خارجی نرم‌پذیری بود که از دوران نیکسون تا کلبنتون اجرا می‌شد. از دید این گروه، آمریکا باید نیروی نظامی عظیم خود را، حتی یکجانبه، برای تأمین منافع و امنیت ملی ایالات متحده و گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی به کار گیرد. جورج بوش با بهره‌برداری از شرایط تازه، خیز بلندی برای برپا کردن یک سامانه پدافندی نیرومند برداشت و از آن پس، گسترش جغرافیایی طرح برای افزایش دادن امکان نابودی موشک‌های دشمن به هنگام شلیک شدن در دستور کار دولت قرار گرفت. در دسامبر ۲۰۰۱ جورج بوش خروج یکجانبه از پیمان منع تولید موشک‌های ضد موشک ABM را اعلام کرد تا «طرح دفاع ملی موشکی» یا به گفته رسانه‌ها «طرح سپر دفاع موشکی» را اجرا کند. کارشناسان سامانه پدافند موشکی، طرح جورج بوش را «فرزند جنگ ستارگان»

○ با رسیدن پوتین به ریاست جمهوری، پدید آمدن ثبات نسبی در سیاست‌های درونی و بیرونی روسیه و روشنتر شدن هدف‌ها و کارکرد غرب و آمریکا در منطقه، سیاست خارجی روسیه وارد مرحله تازه‌ای از ثبات همراه با نیرومندی در تأمین منافع ملی و برخورد با رقیبان شد؛ زیرا روسیه که وارث اتحاد جماهیر شوروی بود نمی‌خواست کشوری عادی و دور از بازی‌های ژئوپولیتیکی در نظام بین‌الملل و بازیگری دنباله‌رو باشد.

○ از دید رهبران روسیه، حوزه نفوذ سنتی اتحاد جماهیر شوروی نخستین سنگر پدافندی برای پاسداری از امنیت ملی روسیه است. روسها نسبت به طرح سامانه پدافند ضد موشکی یکسره بدگمانند و بهانه آمریکا درباره تهدید موشکی ایران را نمی پذیرند. روسیه پیگیری طرح سامانه پدافند ضد موشکی را به معنای تضعیف نظام بازدارندگی در جهان می داند که به ناامن شدن محیط بین المللی خواهد انجامید. از این موضع، طرح سامانه پدافند موشکی، مسابقه جنگ افزاری تازه ای همانند دوران جنگ سرد به راه خواهد انداخت.

که در چارچوب سازمان ملل متحد گرفته می شود قانونی است». پوتین با خرده گیری آشکار از یکجانبه گرایی آمریکا گفت «نباید سازمان ملل متحد را با ناتو و یا اتحادیه اروپا تعویض کرد».<sup>۷</sup>

تصمیم ایالات متحده به برپا کردن پایگاه پدافند ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک در کنار مسائل دیگر چون گسترش ناتو به خاور، روسیه را به سوی نقشی پدافندی تر رانده و آن کشور را با وضعی دشوار روبه رو کرده است. رهبران روسیه این ادعای واشنگتن را که هدف اصلی از ساخت و برپایی این سامانه، رویارویی با برنامه های موشکی کره شمالی و ایران است، سرپوش گذاشتن بر خواست واقعی آمریکاییان می دانند. ژنرالهای روسی هدف اصلی طرح راروسیه و برهم زدن توازن استراتژیک به سود ایالات متحده می دانند. به باور یوری بالوینسکی رییس ستاد کل ارتش روسیه، برپایی سامانه ضد موشکی آمریکا در جمهوری چک و لهستان بخشی از سامانه فراگیر عملیات موشکی ارتش ایالات متحده است که پایگاههای هوایی آلاسکا، ایستگاههای ردیابی در بریتانیا و گرینلند، سیستمهای سیار ضد موشکی

است. در ۲۰۰۱، آژانس پدافند موشکی آمریکا از ۳۴ پرتاب آزمایشی، ۲۶ مورد رهگیری موفق موشکی داشته است، و در دو سال گذشته از ۱۶ آزمایش پرواز، ۱۵ آزمایش موفقیت آمیز بوده است.

### روسیه و سامانه پدافند ضد موشکی

اختلاف نظر دولتمردان آمریکا و روسیه در زمینه برقراری رژیم مشترک امنیتی، تیرگی روابط غرب و روسیه را بیشتر کرد. با رسیدن پوتین به ریاست جمهوری، پدید آمدن ثبات نسبی در سیاستهای درونی و بیرونی روسیه و روشنتر شدن هدفها و کارکرد غرب و آمریکا در منطقه، سیاست خارجی روسیه وارد مرحله تازه ای از ثبات همراه با نیرومندی در تأمین منافع ملی و برخورد با رقیبان شد؛ زیرا روسیه که وارث اتحاد جماهیر شوروی بود نمی خواست کشوری عادی و دور از بازیهای ژئوپولیتیکی در نظام بین الملل و بازیگری دنباله رو باشد. از دید رهبران روسیه، حوزه نفوذ سنتی اتحاد جماهیر شوروی نخستین سنگر پدافندی برای پاسداری از امنیت ملی روسیه است. روسها نسبت به طرح سامانه پدافند ضد موشکی یکسره بدگمانند و بهانه آمریکا درباره تهدید موشکی ایران را نمی پذیرند. روسیه پیگیری طرح سامانه پدافند ضد موشکی را به معنای تضعیف نظام بازدارندگی در جهان می داند که به ناامن شدن محیط بین المللی خواهد انجامید. از این موضع، طرح سامانه پدافند موشکی، مسابقه جنگ افزاری تازه ای همانند دوران جنگ سرد به راه خواهد انداخت. بنابراین کشورهای همچون چین و روسیه نیز برای افزایش توان پدافندی خود به سوی رقابت جنگ افزاری پیش خواهند رفت. دست اندرکاران روسی تصمیم آمریکا در زمینه برپا کردن سپر پدافند موشکی را اقدامی یکجانبه بی توجه به منافع دیگر کشورها و رفتاری فراتر از رژیمهای بین المللی از سوی آمریکا می دانند. دولتمردان روسیه برپایی سامانه پدافند موشکی در اروپای خاوری را، مرزبندی میان اروپا و روسیه از سوی آمریکا می دانند. از دید روسها، سامانه پدافند موشکی و پذیرش احتمالی آن از سوی دیگر کشورها، مشروعیت بخشی به رفتارهای یکسویه آمریکا در سیاست جهانی است. سخنان پوتین در کنفرانس مونیخ در خور توجه است: «تنها تصمیماتی

خود، رفتاری نرمش‌پذیر و فرصت‌طلبانه در پیش گرفته، در برابر رویدادهای آغاز شده، ۲۱ همزمان با جنگ افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر سکوت کرد، در جنگ عراق و حضور نظامی آمریکا در خاور میانه تنها به خرده‌گیری بسنده کرد، در صدور قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و... شورای امنیت درباره فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به همپیمانان آمریکا پیوسته و حتی با پیشنهاد کردن بهره‌گیری مشترک از رادار پایگاه قبله در جمهوری آذربایجان در واقع ادعای آمریکا در مورد تهدید موشکی ایران را پذیرفته، می‌توان انتظار داشت که با وجود سخنان تند دولتمردان روسی در شرایط کنونی، به سبب چیرگی استراتژی چندوجهی آمریکا بر رفتار دیگر بازیگران بین‌المللی و نداشتن توان رویارویی با سامانه پدافند ضد موشکی، مسکو در پای میز گفتگو با دریافت چند پاداش سیاسی و اقتصادی، بر سر سپردن پدافند ضد موشکی در اروپا با ایالات متحده سازش کند. با این همه، از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت که روسیه باید در برآوردهای خود میان پیشرفت به سوی جایگاه یک ابرقدرت و گرفتن امتیازات اقتصادی و سیاسی که اطمینان‌چندانی نیز به تداوم آنها نیست، دست به گزینش بزند. این احتمال هم وجود دارد که روسیه که از بحران اقتصادی دهه گذشته خود دور شده و جایگاه کم‌وبیش مناسبی در تولید انرژی به دست آورده و در ایجاد وابستگی میان خود و اتحادیه اروپا موفق بوده و امنیت ملی خود را دستخوش خطر می‌بیند، از امتیازات اقتصادی چشم‌پوشد و بر مواضع خود با فشاری کند. اینکه موضع‌تهایی روسیه دادوستد است یا رویارویی و آیا در برابر سیاست گام به گام آمریکا برای استیلا بر جهان، واکنش عملی و تهدیدآمیز نشان خواهد داد یا نه، در آینده روشن خواهد شد.

## کنترل جنگ‌افزایی، بازدارندگی و

### سامانه پدافند ضد موشکی

ریچارد هاس در زمینه روابط قدرتهای جهانی پس از جنگ سرد می‌نویسد نه سرزمینی برای جنگیدن بر سر آن وجود دارد، نه ایدئولوژیهای ناهمگونی که تنور برخورد این کشورها با یکدیگر را گرم نگه دارد. برخلاف سالهای گذشته، دیگر «بازدارندگی» نقش

○ آمریکا هم‌اکنون ۱۸ سامانه پدافند موشکی دارد که ۱۶ سامانه در آلاسکا و دو سیستم دفاعی در کالیفرنیا است، اما برابر برنامه نازده پنتاگون، تا ۲۰۱۳ شمار این سامانه‌ها باید به ۵۴ برسد: ۴۰ سامانه پدافند ضد موشکی در آلاسکا، ۴ سامانه در کالیفرنیا و ۱۰ سامانه در لهستان؛ و این یعنی محاصره کامل روسیه.

اروپای باختری و سفینه‌های فضایی جاسوسی را در بر می‌گیرد. هنگامی که ایالات متحده از پیمان ABM کنار کشید جنگ سرد دیگری پیش‌بینی می‌شد؛ زیرا پیمان ABM عامل اصلی توازن استراتژیک میان مسکو و واشنگتن به‌شمار می‌رفت، اما در شرایط تازه تعریف تازه‌ای از اوضاع امنیتی جهان شکل می‌گیرد که ممکن است شرایط پرخطری در زمینه همکاری بر سر مسائل هسته‌ای در سراسر جهان پدید آورد.<sup>۸</sup>

آمریکا هم‌اکنون ۱۸ سامانه پدافند موشکی دارد که ۱۶ سامانه در آلاسکا و دو سیستم دفاعی در کالیفرنیا است، اما برابر برنامه نازده پنتاگون، تا ۲۰۱۳ شمار این سامانه‌ها باید به ۵۴ برسد: ۴۰ سامانه پدافند ضد موشکی در آلاسکا، ۴ سامانه در کالیفرنیا و ۱۰ سامانه در لهستان؛ و این یعنی محاصره کامل روسیه.

بر سر هم، ایالات متحده سیاستی در برابر روسیه در پیش گرفته که از یک سو بر مجاب کردن این کشور به دشمنانه نبودن طرح سپر پدافند موشکی نسبت به روسیه و از سوی دیگر بر پیگیری اجرای آن در خاور اروپا استوار است. جورج بوش و دیگر دست‌اندرکاران آمریکایی بارها گفته‌اند که جنگ سرد به پایان رسیده و روسیه نباید هراسی از سپر پدافند ضد موشکی آمریکا به خود راه دهد. سپر ضد موشکی آمریکا پدافندی است و هدف آن دفاع از ملتهای آزاد در برابر حمله‌های موشکی کشورهای سرکش است. از سوی دیگر، با توجه به رفتار روسیه در این سالها که با کنار گذاشتن ایدئولوژی و پیگیری منافع ملی در سیاست خارجی

نخواهند توانست به مقاصد خود برسند و جنگ افزارهای خود را به کار گیرند و باید در این گونه از توانمندیهای خود بازنگری کنند. از این رو سامانه پدافند موشکی، بعنوان یکی از ابزارهای جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای، اهمیت بسیار دارد.

نومحافظه کاران در دولت جورج بوش که آمریکا را قدرتی خیراندیش به شمار می آورند بر این باورند که برتری کشورشان در زمینه جنگ افزارهای هسته‌ای و متعارف در برابر کشورهای دشمن جنبه بازدارنده خواهد داشت و به صلح جهانی کمک خواهد کرد. ولی ژاک شیراک رییس جمهوری پیشین فرانسه با لحنی کنایه آمیز درباره تاریخ پر کشمکش جهان می گوید تا هنگامی که انسانها در جنگ و درگیری بودند، رقابتی پیوسته میان شمشیر و زره جریان داشت و همواره پیروزی از آن شمشیر بود؛ هر اندازه که بر استحکام زره افزوده شده، به همان اندازه سختی، بُرندگی و تیزی شمشیر بیشتر شده است. به سخن دیگر، از دیدگاه

○ می توان انتظار داشت که با وجود سخنان تند دولتمردان روسی در شرایط کنونی، به سبب چیرگی استراتژی چند وجهی آمریکا بر رفتار دیگر بازیگران بین المللی و نداشتن توان رویارویی با سامانه پدافند ضد موشکی، مسکو در پای میز گفتگو با دریافت چند پاداش سیاسی و اقتصادی، بر سر سپر پدافند ضد موشکی در اروپا با ایالات متحده سازش کند. با این همه، از دیدگاهی دیگر می توان گفت که روسیه باید در برآوردهای خود میان پیشرفت به سوی جایگاه ابر قدرت و گرفتن امتیازات اقتصادی و سیاسی که اطمینان چندانی نیز به تداوم آنها نیست، دست به گزینش بزند.

نخست را در روابط قدرتهای بزرگ بازی نمی کند. به باور دکتر هاس، مفاهیم همسنجی و توازن نیز دیگر همچون گذشته کاربرد ندارند. برای نمونه، بودجه نظامی آمریکا ۵۰۰ میلیارد دلار در سال است که برابر با بودجه نظامی روسیه، اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و هند است. گذشته از آن، هیچ یک از این قدرتها نمی تواند با درجه «تحرک، کشندگی، و دقت» ابزارها و جنگ افزارهای ایالات متحده رقابت کند.<sup>۱</sup> چنین شرایطی سنگین بودن کفه ترازو به سود ایالات متحده در دوران پس از جنگ سرد را نشان می دهد.

هر چند حامیان سامانه پدافند موشکی در دولت ایالات متحده تأکید دارند که این سامانه توان پدافندی چندانی نخواهد داشت، ولی می گویند که سامانه پدافند ضد موشکی، از ابزارهای مهم بازدارندگی در شرایط کنونی است که می تواند مایه اطمینان و آسایش خاطر دارندگان آن شود و دولتهایی را که با تولید جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی و موشکهای قاره پیمایی ضربه زدن به دیگرانند، دلسرد کند. بنابر این سرمایه گذاری ایالات متحده در زمینه سامانه های پدافند موشکی سبب خنثی شدن سامانه های آفندی می شود و آثار بازدارنده خواهد داشت. از این رو کشورهایی که قصد گسترش سامانه های موشکی آفندی را دارند با آگاهی از سرمایه گذاری کلان در این حوزه و کاربرد تکنولوژی مدرن در این سامانه های پدافندی، ادامه فعالیت در زمینه گسترش سامانه های موشکی آفندی را بیهوده خواهند یافت. در این زمینه «دانیل فراید» دستیار وزیر خارجه آمریکا گفته است که «این موضوع که ایالات متحده با همکاری همپیمانان خود سرگرم برپا کردن سامانه پدافند ضد موشکی است، نه تنها به معنای بی توجهی به پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای نیست، بلکه پوشش پدافندی ضد موشکی می تواند به تلاشها در زمینه جلوگیری از گسترش این جنگ افزارها کمک کند زیرا پدافند کارساز، در همان آغاز حمله، به کاهش انگیزه کشورهای دشمن به داشتن توان موشکی خواهد انجامید.»<sup>۱</sup> مقامات آمریکایی برپایی این سامانه را در راستای جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی می دانند، زیرا تولیدکنندگان این گونه جنگ افزارها درمی یابند که با موشکهای بالیستیک



رقیب ایالات متحده را به سوی افزایش جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی، تولید و استقرار هر چه بیشتر موشکهای قاره‌پیما برای حفظ قدرت بازدارندگی خود بکشاند تا بتواند به هنگام ضرورت در این سپر پدافندی رخنه کنند. بی‌گمان کاراترین شیوه برای جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی تقویت موافقتنامه‌های بین‌المللی در زمینه جلوگیری از گسترش جنگ افزارها و خلع سلاح است، نه گسترش یک برنامه پرهزینه. با اجرای موافقتنامه‌های کنترل جنگ افزاری و جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای، امنیتی پایا برای همه کشورهای پدید می‌آید و در این شرایط است که کشورهای جهان از نابودی جنگ افزارهای ویژه کشتار گروهی بهره‌مند خواهند شد. این، تنها یک آرمان نیست، بلکه در میان همه رویکردها برای تأمین صلح و امنیت جهانی، واقع‌بینانه‌ترین گزینه است.

## ۱۱ سپتامبر، خطرهای تازه و سامانه

### پدافند ضد موشکی

رویدادهای ۱۱ سپتامبر نشان داد که محیط امنیتی در سنجش با گذشته پیچیده‌تر و بیش‌بینی‌ناپذیرتر شده است. امروزه جهان با خطر روبه‌افزایش جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی روبه‌رو است که در

○ ریچارد هاس در زمینه روابط قدرتهای جهانی پس از جنگ سرد می‌نویسد نه سرزمینی برای جنگیدن بر سر آن وجود دارد، نه ایدئولوژیهای ناهمگونی که تنور بر خورد این کشورها با یکدیگر را گرم نگهدارد. بر خلاف سالهای گذشته، دیگر «بازدارندگی» نقش نخست را در روابط قدرتهای بزرگ بازی نمی‌کند. به باور دکتر هاس، مفاهیم همسنگی و توازن نیز دیگر همچون گذشته کاربرد ندارد.

شیراک همواره رقابتی سخت میان تولید جنگ افزارهای آفندی و ابزارهای پدافندی وجود داشته است و برآیند این کنش و واکنش، مسابقه تسلیحاتی است که به گونه زنجیره‌ای بی‌پایان ادامه خواهد یافت. کوفی عنان دبیرکل پیشین سازمان ملل نیز بر این باور است که فشارهای فزاینده برخی دولتمردان ایالات متحده برای برپا کردن سپر پدافند موشکی می‌تواند به یک رقابت جنگ افزاری تازه بینجامد و رژیمهای کنونی کنترل جنگ افزارها و تلاشها برای خلع سلاح اتمی را بی‌سرانجام کند و انگیزه تازه‌ای برای افزایش جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی در برخی دولت‌ها پدید آورد.<sup>۱۱</sup> برای نمونه، چین برای آنکه بتواند عقب‌ماندگی نظامی خود از ایالات متحده را جبران کند و سپر پدافند موشکی را بشکافد، ممکن است شمار کلاهکهای اتمی خود را افزایش دهد و همسایه مهم چین یعنی هند نیز برای رویارویی با خطر افزایش ذخایر هسته‌ای چین به تولید و انباشت این گونه جنگ افزارها دست خواهد زد و بی‌گمان در چنین شرایطی پاکستان رقیب دیرینه هند نیز همین استراتژی را بر خواهد گزید. پس، برخلاف نظر دولتمردان آمریکایی باید گفت که در این وضع سامانه پدافند ضد موشکی، انگیزه‌ای نیرومند برای گسترش جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی در سراسر جهان خواهد بود.

از دید مفسران، سامانه پدافند ضد موشکی خطرهای تازه‌ای به نمایش گذاشته و موازنه وحشتی را که میان ایالات متحده و دیگر قدرتهای هسته‌ای برقرار بوده کنار خواهد زد و پیمانهای کنترل جنگ افزارها همچون پیمان ABM را تضعیف خواهد کرد؛ پیمانی که سنگ بنای امنیت جهانی دانسته شده است. در همین راستا ایگور ایوانف دبیر شورای عالی امنیت ملی روسیه در دیدار با هم‌تای آمریکایی خود می‌گوید موارد و استدلالهای شما برای ما و بیشتر جهانیان مجاب‌کننده نیست. ما نمی‌پذیریم که تهدیدهای بالقوه شرایطی پدید آورد که موضوع خلع سلاح رفته‌رفته به فراموشی سپرده شود.<sup>۱۲</sup>

باید پذیرفت که برپا کردن سامانه پدافند ضد موشکی، یک استراتژی پرهزینه باریک‌بالا برای رویارویی با تهدید موشکهای بالیستیک است. برپایی این سامانه ممکن است پیامدهای متضادی داشته و دولتهای

○ بودجه نظامی آمریکا ۵۰۰ میلیارد دلار در سال است که برابر با بودجه نظامی روسیه، اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و هند است. گذشته از آن، هیچ يك از این قدرتها نمی تواند با درجه «تحرک»، کشندگی، و دقت» ابزارها و جنگ افزارهای ایالات متحده رقابت کند. چنین شرایطی سنگین بودن کفه ترازو به سود ایالات متحده در دوران پس از جنگ سرد را نشان می دهد.

پیش دستانه غافلگیر شود، از میان ببرد. دولت ایالات متحده هزینه ها و خطرهای برنامه پدافند ضد موشکی را به عنوان سپری در برابر حملات موشکی دولتهای باصطلاح سرکش توجیه می کند. از دیدگاه دولتمردان آمریکا دولتهای دشمن در ۵ تا ۱۰ سال آینده خواهند توانست با جنگ افزارهای شیمیایی، بیولوژیک و اتمی، خاک ایالات متحده را هدف گیرند. آمریکاییان برای توجیه هزینه های سرسام آور این سامانه نزد افکار عمومی آمریکا بر خسارات حملات ۱۱ سپتامبر انگشت می گذارند و در این زمینه مدیر آژانس پدافند موشکی آمریکا می گوید «ایالات متحده هم اکنون نزدیک به صد میلیارد دلار در سامانه پدافند موشکی رهگیر سرمایه گذاری کرده است. این سامانه در کالیفرنیا و آلاسکا مستقر است تا سپری باشد در برابر موشکهای دوربرد قاره پیمایی که از خاورمیانه و خاور آسیا پرتاب می شود. ابرینگ تصریح می کند حتماً اگر از حمله به يك شهر اروپایی یا آمریکایی جلوگیری شود ارزش این سرمایه گذاری را خواهد داشت و می افزاید حملات تروریستی به شهر نیویورک در ۲۰۰۱، مبلغ ۸۳ میلیارد دلار به این شهر خسارت زده است.<sup>۱۴</sup> «سندی برگر» مشاور پیشین رییس جمهوری در زمینه امنیت ملی نیز بر این باور است که همزمان با بی رقیب بودن قدرت آمریکا در جهان، آسیب پذیری آمریکاییان در برابر خطرهای ناشی از جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی بیشتر از هر زمان دیگر است و از میان بردن آسیب پذیری در برابر

دست بازیگران دولتی و غیردولتی پراکنده است و گستره آن از تروریسم تا موشکهای قاره پیما را در بر می گیرد. از دید رهبران ایالات متحده، یکی از انگیزه های دشمنان آمریکا برای دستیابی به جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی و موشکهای قاره پیما آن است که ایالات متحده و همپیمانانش يك سامانه پدافندی کارا در برابر این گونه تهدیدها ندارند. تهدیدهای موشکی کنونی با تهدیدهای دوران جنگ سرد متفاوت و نیازمند رهیافتهای تازه برای بازدارندگی و ابزارهای تازه برای دفاع است. در منطق استراتژیک در نخستین سالهای پس از جنگ سرد چنین تهدیدهایی محسوس نبود. آمریکاییان بر این باورند که نمی توانند بر توانمندیهای آفندی، برای دفاع از خود و دور کردن خطر تکیه کنند. در سنجش با اتحاد جماهیر شوروی، رهبران کنونی روسیه گرایش بیشتری به ریسک و خطرپذیری دارند. آنان جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی را گزینه ای در کنار دیگر گزینه ها می دانند، نه همچون وایسین ابزار و راهکار. کاربرد نیروی بازدارندگی در برابر این تهدیدها دشوار است زیرا درك مشترك یا کانال ارتباطی مطمئنی با این عناصر و دولتها وجود ندارد. آمریکا باید از ارزش توان موشکی آنها بعنوان ابزارهای باجگیری و تجاوز بکاهد و به آنها اطمینان دهد که نمی توانند با تهدید به حمله موشکی از ما باج خواهی کنند. از این رو چالشهای تازه در سده ۲۱ ما را ناچار می سازد به گونه دیگری بیندیشیم و رفتار کنیم. بر بای سامانه پدافند ضد موشکی، عنصری ضرور در تلاشهای ایالات متحده برای ایجاد دگرگونی در سیاستهای پدافندی در راستای رویارویی با تهدیدهای تازه است.<sup>۱۳</sup>

هواداران سامانه پدافند موشکی بر آنند که يك ایران یا کره شمالی مسلح به موشکهای بالیستیک با کلاهک هسته ای می تواند تهدیدی اساسی برای آمریکا و همپیمانانش باشد و این سپر آنها را از خطر آفرینی برای جهان غرب باز می دارد. «جان رود» که رهبری گروه گفت و گو کننده با روسیه در گفت و گوهای مربوط به استقرار سامانه پدافند موشکی در جمهوری چک و لهستان را دارد ادعا می کند که بر بای این سامانه می تواند انگیزه ایران برای نخستین حمله و همچنین نگرانی ایالات متحده را از اینکه در برابر يك حمله موشکی

جنگ افزارهای بسیار مخرب از راههای دیگر هم وجود دارد. با دوراندیشی، همه گزیننه‌ها را باید در نظر گرفت.<sup>۱۶</sup>

## هدفهای آمریکا از برپایی سامانه

### پدافند ضد موشکی

آمریکا که به تازگی حمله به پرل هاربور را با برافروختن آتش هسته‌ای در هیروشیما و ناگازاکی تلافی کرده بود، از همان نخستین سالهای دهه ۱۹۵۰، با توجه به ظرفیت موشکهای بالیستیک هسته‌ای روسها و امکان رسیدنشان به خاک آمریکا- دریافت که باید سیاست پدافندی خود را بر پایه بی چون و چرا بودن نابودی متقابل قرار دهد و از آغاز شدن فاجعه جلوگیری کند. معنای این احتجاج هسته‌ای فاسد، در ذهن آمریکاییان، همانا معامله نامعقول و نپذیرفتنی با شر خواهد بود. فرضیه نابودی بی چون و چرای متقابل که امنیت ایالات متحده را در گرو رفتار عقلانی کرملین قرار می‌دهد، به دلایل اخلاقی پذیرفتنی نیست و برآیند آن چیزی جز ضرورت بی‌بروگر پدافند ضد موشکی نخواهد بود و این يك اضطرار اخلاقی است که روان و ذهن آمریکاییان پیوسته بدان سو کشیده می‌شود. بوش در يك سخنرانی پیش از برگزیده شدنش به ریاست جمهوری آمریکا، قصد خود مبنی بر کاهش شمار موشکهای هسته‌ای آفندی را این گونه بیان کرد: «با کمترین میزان سازگاری با امنیت ملی ما». در همان سال، دونالد رامسفلد در سفری اروپایی اعلام کرد که پیگیری بر نامه پدافند ضد موشکی «يك مسئله اخلاقی است»، نه تکنولوژیک. بدین سان، بازنگری در برنامه‌های هسته‌ای ایالات متحده از سوی بوش در آغاز نخستین دوره ریاست جمهوری، بیشتر به يك بررسی وجدان ملی می‌ماند. گزارش پارلمانی فرانسه در ۲۰۰۱ با اشاره به گونه‌ای «الهیات سیاسی» در بنیاد پدافند ضد موشکی آمریکا، یکی از کلیدهای این گفتمان را به دست داد. باور نیرومند آمریکاییان به تقدیر و سرنوشت پیشینه دراز برنامه‌های پدافند موشکی پس از ۱۹۵۷، این اندیشه را تقویت می‌کند که هیچ چیز نمی‌تواند واشینگتن را از راهی که در پیش گرفته است باز دارد.<sup>۱۷</sup> از سوی دیگر، با اینکه نزدیک به دو دهه از فروریختن

○ رویدادهای ۱۱ سپتامبر نشان داد که محیط امنیتی در سنجش با گذشته پیچیده‌تر و پیش‌بینی ناپذیرتر شده است. امروزه جهان با خطر رو به افزایش جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی روبه‌رو است که در دست بازیگران دولتی و غیردولتی پراکنده است و گستره آن از تروریسم تا موشکهای قاره‌پیما را در بر می‌گیرد. از دید رهبران ایالات متحده، یکی از انگیزه‌های دشمنان آمریکا برای دستیابی به جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی و موشکهای قاره‌پیما آن است که ایالات متحده و هم‌پیمانانش يك سامانه پدافندی کارادر برابر این گونه تهدیدها ندارند.

جنگ افزارهای هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی، در گرو يك استراتژی فراگیر، بلندپروازانه و نیرومند است. این آینده‌نگری سبب خواهد شد که هر دولت نوپا که توانایی تولید موشکهای بالیستیک را به دست می‌آورد در برابر بهره‌گیری ایالات متحده از جنگ افزارهای متعارفش، دارای توان بازدارندگی هسته‌ای نشود.<sup>۱۵</sup>

خرده‌گیران از برپایی سپر پدافند موشکی می‌گویند هرچند از دید فنی این امکان وجود دارد که کشوری آمریکا را مورد حمله موشکی قرار دهد، ولی دست‌زدن به این کار برای کشور مهاجم، با توجه به توان رزمی آمریکا که برای نمونه بیش از ۱۲ هزار کلاهک هسته‌ای دارد، خودکشی‌آنی به‌شمار می‌آید. به نظر می‌رسد رهبران کشورهایی که به باشگاه دارندگان تکنولوژی موشکهای دوربرد می‌پیوندند آن اندازه منطقی باشند که خود را در برابر حمله تلافی‌جویانه ایالات متحده به نابودی نکشانند. از سوی دیگر، بی‌گمان حتماً اگر کاملترین سامانه پدافند ضد موشکی برپا شود، چنانچه حمله از گونه موشکی نباشد، همه این کارها بی‌هوده خواهد بود. مرزها نفوذپذیر است و امکان تهاجم با

نظامی به کشور هدف دست زند. در این آموزه، بهره‌گیری از جنگ افزار هسته‌ای به‌هنگام ضرورت، حتّاً بر ضدّ کشورهای که این جنگ‌افزارها را ندارند، پیش‌بینی شده است. بدین‌سان استقرار سامانه‌ی پدافند موشکی در مقیاس جهانی، از جمله برپایی دوسامانه در ایالت‌های آلاسکا و کالیفرنیا و یک سامانه در اروپای مرکزی، نشان‌دهنده‌ی برنامه‌ی آمریکا برای رویارویی با چالش‌های تازه در محیط استراتژیک تازه و گویای آن است که دوران صلح برپایه‌ی بازدارندگی رو به پایان است.

کارشناسان سیاسی و نظامی هدف‌هایی چند برای برپایی سامانه‌ی پدافند ضدّ موشکی از سوی آمریکا بر شمرده‌اند که در اینجا به چند هدف واقع‌بینانه‌تر اشاره می‌شود:

- در دهه‌ی گذشته دگرگونی مهمی در رده‌بندی ابزارهای نفوذ بین‌المللی پدید آمده و مسائل اقتصادی و اقتصاد سیاسی برجستگی بیشتری یافته است. امروزه

○ خرده‌گیران از برپایی سپر پدافند موشکی می‌گویند هر چند از دید فنی این امکان وجود دارد که کشوری آمریکا را مورد حمله‌ی موشکی قرار دهد، ولی دست‌زدن به این کار برای کشور مهاجم، با توجه به توان رزمی آمریکا که برای نمونه بیش از ۱۲ هزار کلاهک هسته‌ای دارد، خودکشی‌آنی به‌شمار می‌آید. به نظر می‌رسد رهبران کشورهای که به‌باشگاه دارندگان تکنولوژی موشک‌های دوربرد می‌پیوندند آن اندازه منطقی باشند که خود را در برابر حمله‌ی تلافی‌جویانه‌ی ایالات متّحده به نابودی نکشانند. از سوی دیگر، بی‌گمان حتّاً اگر کاملترین سامانه‌ی پدافند ضدّ موشکی برپا شود، چنانچه حمله از گونه‌ی موشکی نباشد، همه‌ی این کارها بیهوده خواهد بود.

پایه‌های ابرقدرت شرق می‌گذرد، نظامی به جای موازنه نیروها (نظام دوقطبی برپایه‌ی موازنه وحشت) برای تعریف معادلات در سیاست بین‌الملل ننشسته است. کوشش آمریکا برای گسترش نفوذ و هژمونی‌اش در جهان، بالا گرفتن قدرت کشورهای چین و هند، اعتماد به نفس یافتن جهان اسلام، تلاش اتحادیه‌ی اروپا برای کاهش وابستگی خود به آمریکا و سرانجام کوشش کشورهای گوناگون برای بهبود بخشیدن به جایگاهشان در نظام بین‌الملل، روندها در روابط بین‌الملل در دو دهه گذشته را شکل داده است. در این دوره آمریکاییان، سرمست از به‌زیر کشیدن ابرقدرت شرق، بر شیپور نظم نو دمیدند و بر طبل نظام تک‌قطبی کوبیدند. این نظم در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از سوی دانشمندانی چون برژینسکی، مک‌لوهان، فوکویاما و هانتینگتون تئوریزه شد، ولی به کار بسته شدن این تئوریه‌ها در چارچوب سیاست‌های نومحافظه‌کارانه در ایالات متّحده، شرایط تازه‌ای در جهان پدید آورده است. طرح‌ها و سیاست‌هایی که آمریکا در پی آن است نشان می‌دهد که این ابرقدرت برپایه‌ی برتری بی‌چون و چرای اقتصادی و نظامی‌اش، همچنان گسترش هژمونی‌اش در جهان را پیگیری می‌کند.<sup>۱۸</sup>

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی بی‌مان‌ورشو، آمریکا نه تنها نیروهای خود را از اروپای مرکزی بیرون نبرد بلکه آنها را به سوی خاور کشاند. روسیه این رفتار آمریکا را گرفتن پایگاه در حوزه نفوذ سنتی خود به‌شمار می‌آورد و اوج این روند را برنامه‌ی استقرار سامانه‌ی پدافند ضدّ موشکی در جمهوریهای چک و لهستان می‌داند که منافع حیاتی روسیه را آماج خود قرار داده است. این سیاست آمریکا، در چارچوب هیچ رژیم یا نظام منطقه‌ای نمی‌گنجد، اما آمریکاییان پیگیری این سیاست را راه رویارویی با قدرتهای سرکش در آینده ارزیابی می‌کنند و خواهان همکاری همه‌کشورها برای رویارویی با این تهدیدهای احتمالی هستند. بر سر هم، استراتژی امنیت ملی آمریکا در سده‌ی ۲۱ بر رویارویی با خطرهای کوتاه مدت و بلندمدت از سوی قدرتهای جهانی و منطقه‌ای همچون چین و ایران استوار است. کاخ سفید در سپتامبر ۲۰۰۲ سندی منتشر کرد که برپایه‌ی آن دولت اجازه می‌یافت در چارچوب جنگ پیشگیرانه، به تجاوز



واژه قدرت بیشتر به معنای توان اقتصادی ملتها است. بدین سان، در اولویت بندی منافع و بر آورد قدرت ملی و ابزارهای نفوذ جهانی، «توان اقتصادی» هر کشور برجسته ترین جایگاه را در این سالها داشته است. در دوران جنگ سرد با مطرح شدن استراتژی جنگ ستارگان از سوی ریگان، رقابت دوا بر قدرت به سوی تکنولوژی های تازه گرایش پیدا کرد. اما این حوزه، پهنه رقابت مناسبی برای جامعه بسته ای چون اتحاد جماهیر شوروی نبود. اقتصاد ایستا و بی جان دولتی، جامعه ای با شهروندان سخت دست و پا بسته را در دوران تکنولوژی پیشرفته ارتباطات و اطلاعات با چالشهایی پیچیده و دشوار روبه رو می کرد. اکنون به باور برخی از تحلیلگران، آمریکا که بازگشت قدرت اقتصادی و سیاسی سنتی روسیه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و اروپای خاوری را پیش بینی می کند بر آن است تا با استقرار سامانه پدافندی در خاور اروپا که پیامد آن ورود ناخواسته روسیه به یک رقابت جنگ افزاری است، رفته رفته بنیه اقتصادی روسیه را که در این سالها روندی رو به رشد داشته تضعیف کند. افزون بر آن، تلاش برای جداسازی مناطق پیرامون روسیه از دامنه نفوذ مادی و معنوی آن کشور در کنار پروسه سیاسی انقلابهای مخملین می تواند از هدفهای همراه با برنامه سپر پدافند ضد موشکی باشد.<sup>۱۹</sup>

- هواداران سپر پدافند موشکی می گویند برخی دولتها ممکن است در آینده به موشکهای دوربرد با کلاهک اتمی مجهز شوند که این پدیده می تواند منافع آمریکا و امنیت آن کشور را به خطر اندازد. پس، این سپر آنها را از چنین تهدیدهایی باز می دارد و سبب می شود کشوری که به موشکهای بالیستیک دست می یابد نتواند در برابر بهره گیری آمریکا از جنگ افزارهای متعارف صاحب بازدارندگی هسته ای شود.

- گروهی از پشتیبانان سپر پدافند موشکی با اشاره به سیاستها و عملکرد یکجانبه آمریکا در سطح جهان جلوگیری از خسارتهای مصیبت بار انفجار تنها یک کلاهک اتمی را توجیه کننده استقرار سامانه پدافند ضد موشکی می دانند، هر چند آن سامانه اثر گذاری اندکی داشته باشد. به سخن دیگر، هنگامی که صدها هزار انسان دستخوش خطر باشند پیش بینی هر گونه اقدام

پدافندی ممکن، بهتر از نبود آنست.

- دولتمردان آمریکا هدف اصلی از برپایی سامانه پدافند موشکی در اروپای خاوری را رویارویی با حملات موشکی احتمالی دولتهای دشمن بویژه ایران عنوان می کنند. به گفته دست اندر کاران آمریکایی، ایران تا ۲۰۱۵ به تکنولوژی موشکهای دوربرد دست خواهد یافت که می تواند کشورهای اروپایی و قاره آمریکا را آماج خود قرار دهد و کوشش بسیار کرده اند که از جمهوری اسلامی ایران چهره ای ترسناک و تهدید کننده صلح و امنیت جهانی بسازند. این اقدام در واقع برای همراه ساختن دیگر کشورها با ایالات متحده در موضع گیری و دست زدن به اقدامات سخت در برابر ایران صورت می گیرد. دست اندر کاران ایرانی بارها اعلام کرده اند که گسترش سامانه های موشکی ایران اقدامی پدافندی است.<sup>۲۰</sup> و توان موشکی ایران بسیار کمتر از آنست که آمریکاییها می بدارند. آمریکا، اکنون هم با صدها کلاهک اتمی و جنگ افزارهای بسیار پیشرفته می تواند بر این خطرها چیره شود.

و سرانجام باید گفت که در دوران جنگ سرد، «وحشت اتمی» ثبات و صلح نسبی در جهان برقرار کرده

○ با اینکه نزدیک به دو دهه از فروریختن پایه های ابر قدرت شرق می گذرد، نظامی به جای موازنه نیروها (نظام دو قطبی بر پایه موازنه وحشت) برای تعریف معادلات در سیاست بین الملل ننشسته است. کوشش آمریکا برای گسترش نفوذ و هژمونی اش در جهان، بالا گرفتن قدرت کشورهای چین و هند، اعتماد به نفس یافتن جهان اسلام، تلاش اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی خود به آمریکا و سرانجام کوشش کشورهای گوناگون برای بهبود بخشیدن به جایگاهشان در نظام بین الملل، روندها در روابط بین الملل در دو دهه گذشته را شکل داده است.

○ استراتژی امنیت ملی آمریکا در سده ۲۱  
بر رویارویی با خطرهای کوتاه مدت و بلندمدت از سوی قدرتهای جهانی و منطقه‌ای همچون چین و ایران استوار است. کاخ سفید در سپتامبر ۲۰۰۲ سندی منتشر کرد که بر پایه آن دولت اجازه می‌یافت در چارچوب جنگ پیشگیرانه، به تجاوز نظامی به کشور هدف دست زند. در این آموزه، بهره‌گیری از جنگ افزار هسته‌ای به هنگام ضرورت، حتا بر ضد کشورهایایی که این جنگ افزارها را ندارند، پیش‌بینی شده است.

در نقد برنامه پدافند ضد موشکی ایالات متحده باید یادآوری کرد که آمریکا نسبت به آینده روسیه و بروز چالشهای تازه سخت نگران است و برپایی سامانه پدافند ضد موشکی را اقدامی بازدارنده و احتیاط آمیز می‌شمارد. از سوی دیگر، باید به موضعگیری دولتمردان روسیه بعنوان مهمترین کشوری که از برپایی این سامانه احساس خطر کرده است اشاره کرد. از دید مسکو پیوند یافتن اعضای پیشین پیمان ورشو با سامانه پدافند ضد موشکی آمریکا، گونه‌ای فراخوانی به مبارزه از سوی آمریکا است. این مبارزه جویی به همان اندازه گستاخانه است که گسترش ناتو از راه اعضای پیشین اتحاد جماهیر شوروی. کسی از دولتمردان ایالات متحده هم به این پرسش روسیه پاسخ نمی‌دهد که چرا جلوی ایران باید در لهستان گرفته شود؟ تهران هیچ‌گاه اروپا را تهدید نکرده است؛ اگر آمریکا به راستی نگران گسترش برنامه موشکی ایران است، چرا سامانه پدافند ضد موشکی خود را در اسرائیل برپا نمی‌کند؟ بی‌گمان یکی از هدفهای اصلی آمریکا از ایجاد سامانه پدافند موشکی در چک و لهستان رویارویی با روسیه و کاهش دادن بیشتر نفوذ این کشور در اروپای خاوری و آسیای مرکزی و قفقاز است. در کنار مسأله پدافند ضد موشکی آمریکا، پیوستن اقمار اتحاد جماهیر شوروی پیشین به

و احتیاط کاری جدی در بهنه سیاست بین الملل پدید آورده بود و جلوی تهدید اتمی برای حل اختلافات قدرتهای امی گرفت. از دیدگاه نومحافظه کاران، بازدارندگی بر پایه وحشت خوشایند نبود و کشور در برابر حمله‌های هسته‌ای آسیب پذیر بود. ولی امروزه با برپایی سپر پدافند موشکی به نظر می‌رسد که ایالات متحده برای نخستین بار در آستانه برتری هسته‌ای قرار گرفته است و در آینده نزدیک این امکان فراهم می‌شود که در يك حمله هسته‌ای پیش‌دستانه موشکهای اتمی دشمنان را نابود سازد، بی آنکه خود آسیب ببیند. در استراتژی امنیت ملی دولت بوش در ۲۰۰۲ به روشنی آمده است که ایالات متحده در پی برتری در همه ابعاد تکنولوژی نظامی مدرن است. سیاست دستیابی به برتری هسته‌ای کمک می‌کند تا برنامه پدافند موشکی آن درك شود؛ یعنی اگر واشنگتن باور داشته باشد که این برتری تضمین کننده امنیتش است، ارزش و فایده برتری اتمی بر خطرهای آن می‌چربد.<sup>۲۱</sup>

کاندولیزا رایس وزیر خارجه ایالات متحده در گفت و گوی خود با دیلی تلگراف گفته است منطق نابودی حتمی و متقابل در دوران جنگ سرد، در محیط استراتژیک امروزی معنای خود را از دست داده است و امروز ما در پی چیزی بیش از این منطق شوم هستیم که می‌توانیم آنها را نابود کنیم که توان نابودی ما را دارند. هدف ما از برپا کردن این سامانه، دفاع از ایالات متحده و همپیمانانش در جامعه فرا آتلانتیکی است؛ چون امنیت ما از هم جداشدنی نیست. اگر همپیمانان ما ایمن نباشند، آمریکا هم ایمن نیست.<sup>۲۲</sup>

### سخن پایانی

هنگامی که در آغاز حکومت جورج بوش، ایالات متحده از پیمان موشکهای ضد موشک کنار کشید، جنگ سرد دیگری پیش بینی می‌شد. پیمان ABM فاکتوری مهم در ثبات استراتژیک در روابط دو ابر قدرت بود. اما اکنون رژیم کنترل جنگ افزاری که در دوران جنگ سرد پیش بینی‌های استراتژیک مسکو و واشنگتن را به هم پیوند می‌داد با مطرح شدن گفتمان برپایی سپر پدافند موشکی سست شده و به پیچیده شدن اوضاع امنیتی و همکاری بر خطر در مسائل هسته‌ای در جهان انجامیده است.

ژئواستراتژیک، آمریکا همراه با کوشش برای جلوگیری از سربر آوردن دوباره امپراتوری شوروی باید بر سر بسیاری از مسائل جهانی، بر پایه منافع مشترک با روسیه همکاری کند.

از سوی دیگر، آمریکا پیوسته با انگشت گذاشتن بر تهدیدهای موشکی ایران و با خطرناک نمایاندن چهره کشورمان نزد افکار عمومی در جهان غرب می‌کوشد با پنهان کردن هدفهای اصلی خود از برپا کردن سامانه پدافند ضد موشکی و کاهش دادن حساسیت روسیه، به اختلافهای خود با ایران رنگ امنیتی بدهد و همراهی جامعه جهانی را برای فشار آوردن بیشتر بر ایران به دست آورد. به باور صاحب نظران، هر چند ایالات متحده ممکن است در آینده با جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی مورد حمله قرار گیرد، اما این جنگ افزارها از سوی کشورهای مخالف آمریکا و با موشکهای بالیستیک پرتاب نخواهد شد زیرا این کشورها از سر نوشت خود در برابر واکنش تلافی جویانه ایالات متحده آگاهند. راههای کم هزینه تر و دقیقتر و کارسازتری نیز وجود دارد. در شرایط کنونی ایالات متحده باید از یک بمب درون چمدان بیشتر از یک کشور باصلاح سرکش هراس داشته باشد. تروریستها می‌توانند به آسانی جنگ افزارهای میکروبی، هسته‌ای و شیمیایی را از راههای گوناگون به درون آمریکا ببرند.

همچنین نباید فراموش کرد که برپایی این سامانه، پیمانها در زمینه کنترل و کاهش جنگ افزارها را خدشه دار و موازنه استراتژیک موجود در نظام بین الملل را سست خواهد کرد. هر چند دولت آمریکا برپا کردن سامانه ضد موشکی را تاکتیکی پدافندی جلوه می‌دهد، اما دیگر قدرتهای هسته‌ای مانند روسیه و چین این کار را یک ابتکار آفندی می‌شمارند که می‌تواند موجب تقویت زرادخانه‌های هسته‌ای این کشورها برای رویارویی با سپر ضد موشکی آمریکا شود. برپایه نشانه‌ها، برنامه‌های نظامی آمریکا برای بستن دست و پای کشورهای چون روسیه و چین طراحی می‌شود و برتری هسته‌ای و اشنگتن در پهنه بین المللی یکسره با سیاست گسترش سیطره جهانی آمریکا هماهنگی دارد.

در پایان باید یادآوری کرد که سامانه پدافند ضد موشکی می‌تواند ابزاری برای تسلط نظامی کامل

○ به باور برخی از تحلیلگران، آمریکا که بازگشت قدرت اقتصادی و سیاسی سنتی روسیه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و اروپای خاوری را پیش بینی می‌کند بر آن است تا با استقرار سامانه پدافندی در خاور اروپا که پیامد آن ورود ناخواسته روسیه به یک رقابت جنگ افزاری است، رفته رفته بنیه اقتصادی روسیه را که در این سالها روندی رو به رشد داشته تضعیف کند. افزون بر آن، تلاش برای جداسازی مناطق پیرامون روسیه از دامنه نفوذ مادی و معنوی آن کشور در کنار پروسه سیاسی انقلابهای مخملین می‌تواند از هدفهای همراه با برنامه سپر پدافند ضد موشکی باشد.

ناتو، آینده کوزوو، پایبندی به پیمانهای بین المللی و دوجانبه و برنامه هسته‌ای ایران از جمله موارد اختلاف میان روسیه و آمریکا است. موضعگیری دست اندر کاران آمریکایی در برابر این موارد، این تفکر را در روسیه پدید آورده است که مناسبات نظامی و امنیتی آمریکا با روسیه یکسره همچون مناسبات دو ابر قدرت در دوران جنگ سرد است. اما آنچه روشن است این است که تجزیه و تضعیف بیش از اندازه روسیه به سود ایالات متحده و امنیت جهان نخواهد بود، بویژه آنکه به موازات تضعیف و تجزیه این کشور، قدرت کنترل و نظارت مسکو بر جنگ افزارهای ویژه نابودی گروهی آن کشور کاهش می‌یابد. کاهش بیش از اندازه قدرت اقتصادی روسیه به فروش جنگ افزارها و تجهیزات اتمی آن کشور به دیگر کشورهای جهان بویژه رقیبان ایالات متحده خواهد انجامید و امنیت و منافع حیاتی آمریکا و غرب را در جهان به خطر خواهد انداخت و تنگناها و دشواریهای بزرگ در برابر ایالات متحده پدید خواهد آورد. بی گمان، به دلایل

۹. میرفخرایی، هوشمند «معرفی کتاب فرصت»، واشنگتن پریم، شماره سی و سوم، جمعه چهارم آذرماه ۱۳۸۴، در:

Richard N. Hass "Opportunity: America's Moment to Alter History, Public Affairs", at:

<http://www.washingtonprism.org/showarticle.cfm?id=184>

۱۰. اس. پورث، ژاکلین، در

<http://usinfo.state.gov/xarchives/display.htm>

11. "Swords and Shields- An Introduction to Missile Defence" at:

<http://cndyorks.gn.apc.org/md/intro.html>

۱۲. «آمریکا و طرح سیستم دفاع موشکی»، ترجمه ف. دری،

ترجمان سیاسی، نیوزویک سال ششم، خرداد ۸۰، ص ۳۲

13. "National Policy on Ballistic Missile Defense Fact Sheet". signed: GEORGE W. BUSH, May 20, 2003. at: <http://www.whitehouse.gov/news/releases/2003/05/20030520-15.html>

14. S. Porth, Jacquelyn "U.S., NATO Countries Agree on Need To Maintain Defense Linkage" April 20, 2007, at: <http://usinfo.state.gov/xarchives/display.html? p= washfileenglish&y= 2007 & april&x= 20070420143255 sjhtrop0. 1070673>

۱۵. برگر، سندی، «آیا سپر دفاع ضد موشکی لازم است؟»، ترجمه محمدرضا نیلهچی، نگاه، س ۲، ش ۱۴ و ۱۳ (تیر و مرداد ۸۰)، ص ۱۰۰

۱۶. گفنی، فرانک جی، «منتقدان سیاست دفاع موشکی دولت بوش»، ترجمه سیدرضا پربینچی، مطالعات منطقه‌ای، ج ۸،

۱۳۸۰، ص ۲۰۷

۱۷. زاجس، اولیور، پیشین

۱۸. سنایی، مهدی، «طرح سامانه دفاع موشکی آمریکا و واکنش روسیه»، در:

<http://www.iras.ir/default-view.asp?@=5135,1386>

۱۹. ملکی، مصطفی، همانجا

۲۰. میرطاهر، سیدرضا، «استقرار سپر دفاع موشکی ایالات متحده در اروپا و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، اطلاعات راهبردی، س. ۵، تیرماه ۸۶، صص ۲۴-۲۳

21. Keir A. Lieber & Daryl G. press "The Rise of U.S. Nuclear Primacy" *Foreign Affairs*, March/ April, 2006.

22. Rice, Condoleezza, "The west needs a defence system that works" *Daily Telegraph*, April 26, 2007.

آمریکا بر زمین، دریا، و هوا فضا باشد. پیشرفت نظامی در فضا عنصری بنیادی در جنگهای مدرن است. جنگ ستارگان دیگر یک افسانه نیست. فضا امروز هر چه بیشتر میلیتاریزه می شود و پدافند موشکی یک گام بزرگ در این راستا است. به گفته شاعر «زمین را گرسوی مالک طمع بر آسمان داری». ایالات متحده می کوشد با پیگیری سیاستهای یکسویه، گونه‌ای توانمندی بازدارندگی و پیشدستی استراتژیک در برابر رقیب دیرینه خود به دست آورد؛ فرایندی که بر آینه آن سربر آوردن یک آمریکای لگام گسیخته است که باید مایه نگرانی صلح طلبان در جهان باشد، زیرا برتری هسته‌ای می تواند آمریکا را هر چه بیشتر به سوی رفتارهای تجاوزگرانه بکشاند.

### پانوشتها:

۱. زاجس، اولیور، «دغدغه‌های ضد موشکی آمریکا گونه‌ای

«الهیات سیاسی» لوموند دیپلماتیک، ژوئیه ۲۰۰۷: در

<http://ir.mondediplo.com/imprimer.php3?id-article=1132>

2. "History of national missile defense system", at: <http://en.wikipedia.org/wiki/nationalmissiledefence>

۳. زاجس، اولیور، پیشین

4. "History of national missile defense system", **op. cit.**

5. Lewis George, Lisbeth Gronlund, and David Wright "An Analysis of the Proposed US NMD System", at: [http://www.ucsusa.org/global\\_security/missile-defense/us-ballistic-missile-defense-timeline-1945-2001.html](http://www.ucsusa.org/global_security/missile-defense/us-ballistic-missile-defense-timeline-1945-2001.html)

۶. خبرگزاری روسیه، «پوتین: پیمان نیروهای متعارف در اروپا با واقعیت‌های جهان مغایر است»، ۸۶/۵/۴، در:

<http://www.russiannews.ru/pers2/print-news.php?news-id=24054>

۷. ملکی، مصطفی، «سپر دفاع موشکی و شکاف در رژیم امنیتی»، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۰، آذر ۸۶،

ص ۷۷

8. Granger, Greg "Russian reaction to U.S. foreign policy: an emerging security dilemma". april 23, 2007, at: [www.American.diplomacy.org](http://www.American.diplomacy.org).